

منزلت امام رضا (ع) در تفاسیر اهل سنت

قاسم بستانی*

چکیده

جایگاه والا و منزلت برجسته امام رضا (ع) در علم و عمل نزد فریقین همچون آفتابی تابان آشکار و هویدا است و اخبار و احادیث ایشان (ع) مورد استناد فریقین است. هر چند متأسفانه این بهره مندی علی رغم آن جایگاه و منزلت بیشتر نزد شیعیان است. در این مقاله، نویسنده برآنست که ابعاد تأثیرگذاری اقوال امام رضا (ع) در تفاسیر اهل سنت را نمایان کند و به این سؤال مشخص پاسخ دهد که تفاسیر اهل سنت، چه اندازه به اقوال این امام همام آشنا می باشند. این مقاله با روش کتابخانه ای و جستجو و گردآوری در محدوده منابع تفسیر اهل سنت می باشد و البته این تحقیق علاوه بر آن به تبارشناسی مستندات تفاسیر اهل سنت در دیگر منابع شیعی و اهل سنت پرداخته و تا حد امکان جایگاه آن مستندات را به طور کلی نزد فریقین روشن می سازد. کلید واژه ها: امام رضا (ع)، تفاسیر اهل سنت، احادیث تفسیری.

مقدمه

روش کار: این تحقیق با کلید واژه «الرضا» و «علی بن موسی» در نرم افزار مکتبه أهل البيت^(ع) در گروه مصادر تفسیر سنی از مفسرین قرن سوم به بعد صورت گرفته است و سپس به تبارشناسی حدیث نزد شیعه و أهل سنت پرداخته شده است و در این تبارشناسی، منابع مورد مراجعه شامل تمام قرون اسلامی می باشد. در این مقاله، ملاک ذکر امام در طریق حدیث است خواه در ابتدای حدیث باشد یا در میانه آن و خواه حدیث منتهی به ایشان شود یا به پدران گرامش. فهرست تفاسیر أهل سنت که مورد جستجو واقع شدند:

تفاسیر أهل سنت مورد مراجعه و جستجو به شرح ذیل می باشند:

۱. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم «الآلوسی»؛ ۲. تفسیر القرآن العظیم «ابن ابی حاتم»؛ ۳. التفسیر ابن زمنین؛ ۴. أحكام القرآن «الشافعی»؛ ۵. دقائق التفسیر «ابن تیمیة»؛ ۶. جامع البیان «الطبری»؛ ۷. زاد المسیر «ابن الجوزی»؛ ۸. نواسخ القرآن؛ ۹. العجائب فی بیان الأسباب «ابن حجر»؛ ۱۰. الناسخ و المنسوخ «ابن حزم»؛ ۱۱. التفسیر «ابن عبد السلام»؛ ۱۲. تفسیر آیات من القرآن الکریم «ابن عبد الوهاب»؛ ۱۳. مختصر تفسیر سورة الأنفال؛ ۱۴. أحكام القرآن «ابن العربی»؛ ۱۵. التفسیر «ابن عربی»؛ ۱۶. المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز؛ ۱۷. التفسیر «ابن کثیر»؛ ۱۸. تیسیر الکریم الرحمن فی کلام المنان؛ ۱۹. البحر المحیط؛ ۲۰. التفسیر «أبو السعود»؛ ۲۱. التفسیر «البغوی»؛ ۲۲. التفسیر «البیضاوی»؛ ۲۳. التفسیر «الثعالبی»؛ ۲۴. التفسیر «الثعلبی»؛ ۲۵. أحكام القرآن «الجصاص»؛ ۲۶. شواهد التنزیل «الحاکم الحسکانی»؛ ۲۷. التفسیر «الرازی»؛ ۲۸. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ ۲۹. التفسیر «السلمی»؛ ۳۰. تفسیر السمرقندی؛ ۳۱. التفسیر «السمعانی»؛ ۳۲. الدر المنثور؛ ۳۳. لباب النقول؛ ۳۴. أضواء البیان «الشنقیطی»؛ ۳۵. فتح القدیر «الشوکانی»؛ ۳۶. تفسیر القرآن «الصنعانی»؛ ۳۷. التسهیل لعلوم التنزیل «الغرناطی»؛ ۳۸. التفسیر «القرطبی»؛ ۳۹. تفسیر الجلالین «المحلی»؛ ۴۰. معانی القرآن «النحاس»؛ ۴۱. التفسیر «النسفی»؛ ۴۲. أسباب نزول الآیات «واحدی»؛ ۴۳. التفسیر «تحقیق صفوان عدنان داوودی»؛

تعداد تفاسیر اهل سنتی که از احادیث رضوی استفاده کرده اند و فراوانی یافته ها
ذیلاً تعداد این تفاسیر به ترتیب سال وفات مؤلف و فراوانی احادیث منسوب به امام (ع)
در آنها ذکر می شود:

۱. تفسیر السلمی - م. ۴۱۲ هـ - : ۲۳ مورد که عمده آنها منتهی به امام صادق (ع)
می شوند.
۲. تفسیر الثعلبی - م. ۴۲۷ هـ - : ۱۳ مورد.
۳. تفسیر شواهد التنزیل الحاکم الحسکانی - قرن ۵ - : ۱۱ مورد.
۴. تفسیر الرازی - م. ۶۰۶ هـ - : ۱ مورد.
۵. تفسیر الدر المنثور سیوطی - م. ۹۱۱ هـ - : ۱ مورد.
۶. تفسیر أبوالسعود - م. ۹۵۱ هـ - : ۱ مورد
۷. تفسیر الآلوسی - م. ۱۲۷۰ هـ - : ۱۰ مورد

تحلیل کلی

الف: همچنان که ملاحظه می شود در قدیمی ترین و مهمترین کتاب های تفسیر
اهل سنت مانند: جامع البیان و الکشاف زمخشری نامی از امام (ع) نیست و در تفسیری
چون مفاتیح الغیب فخر رازی، الدر المنثور سیوطی و أبوالسعود فقط یک مورد، آن نیز در
مطلبی نه چندان مهم وجود دارد.

ب: در تفاسیری که ذکر امام بیشتر آمده، عمدتاً امام در ضمن سند حدیث است و
متن حدیث منتهی به یکی دیگر از معصومین مانند امام صادق (ع) یا امام باقر (ع) می شود.

ج: ممکن است که محتوای اقوال امام بدون ذکر نام ایشان در تفاسیر اهل سنت آمده
باشد و امکان دست یابی این نوع جستجو بر آن اقوال نباشد.

د: معمولاً در کنار قول منسوب به امام (ع) اقوال دیگری متفاوت یا موافق ذکر شده
است که در این تحقیق از ذکر آن اقوال خودداری می شود.

هـ: معدودی از این احادیث مورد قبول شیعه نبوده و در منابع شیعه نیز یافت نمی شود
و برخی نزد فریقین مطرح و در منابع شیعی و سنی منقول است و برخی خاص کتب تفسیری
که حدیث در آنها می باشد همچنان که بیشتر احادیث منقول از سلمی چنین می باشد و

برخی علاوه بر کتاب تفسیری ذکر کننده حدیث، فقط نزد شیعه یافت می شود.

و: برخی از احادیث توسط مفسر دارای طریقی خاص می باشند، همچنان که نزد سلمی و الحاکم الحسکانی چنین است اما در این تحقیق این طرق ذکر نشده است و برخی به طور مرسل این احادیث را آورده یا به وجود آنها در کتب شیعه تصریح شده است، همچنان که نزد آلوسی مشاهده می شود.

ز: در مجموع تعداد تفاسیر و نیز فراوانی احادیث امام رضا (ع) در آنها، بسیار کمتر از انتظار می باشد.

احادیث تفسیری امام رضا (ع) در کتب تفسیری أهل سنت

این احادیث به ترتیب سوره ها و آیات قرآنی به شرح ذیل ذکر می شود:

۱ و ۲- تفسیر «بسم»: سلمی نقل می کند: عن علی بن القاسم موسی الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد (ع) قال: «بسم» الباء بقاؤه و السين أسماؤه و الميم ملكه، فإيمان المؤمن ذكره ببقائه و خدمة المرید ذكره بأسمائه و العارف عن المملكة بالمالك لها».

و ایضا: «بسم» ثلاثة أحرف: باء و سین و میم فالباء باب النبوة، و السين سر النبوة الذي أسر بها النبي (ص) به إلى خواص أمته، و الميم مملكة الدين الذي أنعم به للأبيض و الأسود»^۱.

این دو حدیث در دیگر منابع شیعه و أهل سنت، از منابع حدیثی و تفسیری و غیره یافت نشد.

۳ و ۴- حکم جهر در بسمله: ثعلبی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد أنه قال: «اجتمع آل محمد علی الجهر ب «بسم الله الرحمن الرحيم» و علی أن یقضوا ما فاتهم من صلاة اللیل بالنهار و علی أن یقولوا فی أبی بکر و عمر أحسن القول و فی صاحبهما».

و بهذا الإسناد قال: سئل الصادق عن الجهر بالتسمية فقال: «الحق الجهر به و هی التي ذكر الله عز وجل: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَكَلِمَةً عَلَىٰ آذَانِهِمْ يَنْصُرُونَ» [الإسراء، ۱۷/ ۴۶].^۲

این دو حدیث از دیگر منابع شیعه و أهل سنت یافت نشد. ضمن این که مضمون

حدیث نخست از نظر اعتقادی با اعتقاد شیعه معارض است .

۵. «الم» (البقرة، ۱/۲) : ثعلبی نقل می کند : عن علی بن موسی الرضا [ع] عن جعفر الصادق [ع] : فقال : «فی الألف ست صفات من صفات الله : الابتداء ؛ لأن الله تعالى ابتداءً جميع الخلق و «الألف» . ابتداء الحروف و الاستواء فهو عادل غير جائر و «الألف» مستوفى ذاته و الانفراد و الله فرد و الألف فرد ، و إتصال الخلق بالله و الله لا يتصل بالخلق ؛ فهم يحتاجون إليه و له غنى عنهم . و كذلك الألف لا يتصل بحرف فالحروف متصله ؛ و هو منقطع عن غيره و الله باين بجميع صفاته من خلقه و معناه من الإلفة فكما أن الله سبب إلفه الخلق فكذلك الألف عليه تألفت الحروف و هو سبب إلفتها» .^۳

این حدیث در دیگر منابع أهل سنت یافت نشد . اما برخی منابع شیعه از آن یاد کرده اند ، مانند : نمازی^۴ ، به نقل از طبرسی از ثعلبی ؛ حویزی^۵ ، به نقل از ثعلبی ، ... و قبل از همه ، طبرسی^۶ ، و همو تصریح دارد که حدیث مذکور را از ثعلبی نقل می نماید و ظاهراً دیگران نیز به تبع وی و با ملاحظه حدیث نزد او ، آن را با ذکر طبرسی و بدون ذکر او ، در تألیفات خود آورده اند .

۶. «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا» (البقرة، ۳۸/۲) : سیوطی نقل می کند : أخرج الخطيب في التاريخ بسند فيه من لا يعرف عن يحيى بن أكرم أنه قال في مجلس الواثق من حلق رأس آدم حين حج فتعايا الفقهاء عن الجواب ، فقال لواثق أنا أحضر من ينبئكم بالخبر فبعث إلى علي بن محمد بن جعفر بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب فسأله فقال حدثني أبي عن جدی عن أبيه عن جده قال : « قال رسول الله (ص) : أمر جبريل ان ينزل بياقوتة من الجنة فهبط بها فمسح بها رأس آدم فتناثر الشعر منه فحيث بلغ نورها صار حرما» .^۷

این حدیث در منابع شیعه ذکر شده است ، مانند : کلینی در کافی به سند خود از امام باقر(ع) با تفاوت هایی^۸ ؛ شیخ صدوق به سند خود از امام باقر(ع) با تفاوت هایی^۹ ؛ مجلسی از الدر المنثور^{۱۰} ؛ میرزای نوری در مستدرک از مجلسی^{۱۱} ؛ مرعشی از الخطیب .^{۱۲}

أهل سنت نیز این حدیث را ذکر کرده اند ، مانند : متقی هندی از امام باقر(ع) که آن را حدیثی معضل می داند^{۱۳} و نیز : الخطیب از امام باقر(ع) که سیوطی آن را با اندکی اختصار ،

ذکر کرده است . ۱۴

ظاهراً در منابع شیعه ، از امام رضا (ع) در طرق این حدیث یاد نشده است .

۷. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران/۱۰۳) : الحاکم الحسکانی نقل می کند :
حدثنی أبو الحسن محمد بن القاسم الفارسی قال : حدثنا أبو جعفر محمد بن علی [شیخ صدوق] ... عن علی بن موسی الرضا ، ... عن علی [ع] قال : «قال رسول الله (ص) : من أحب أن يركب سفينة النجاة و يتمسك بالعروة الوثقى و يعتصم بحبل الله المتين فليوال عليا و ليأتم بالهداة من ولده» . ۱۵

این حدیث در منابع شیعه ذکر شده است ، مانند : مرعشی که در شرح احقاق الحق ، از الحاکم الحسکانی نقل می کند ۱۶ . اما در دیگر منابع أهل سنت چنین حدیثی یافت نشد . ظاهراً اصل حدیث از الحاکم می باشد .

۸ و ۹ . «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (النساء، ۶۹/۴) : الحاکم الحسکانی نقل می کند : أخبرنا أبو سعيد محمد بن علی الحیري - الحبري - و أبو بكر محمد بن عبد العزيز الجوري - الجودي - ، قالوا ... حدثني علی بن موسی الرضا ، قال : ... عن أبيه علی بن أبي طالب [ع] قال : «قال رسول الله (ص) في هذه الآية : «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» قال : «مِنَ النَّبِيِّينَ» محمد ، و «مِنَ الصِّدِّيقِينَ» علی بن أبي طالب ، و «مِنَ الشُّهَدَاءِ» حمزة ، و «مِنَ الصَّالِحِينَ» الحسن والحسين «وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» قال : القائم من آل محمد (ص) .

و ایضا : أخبرنا محمد بن عبدالله بن عبيد الله ، قال : ... عن أصبغ بن نباته ، قال : تلا ابن عباس هذه الآية فقال : «مِنَ النَّبِيِّينَ» محمد و «مِنَ الصِّدِّيقِينَ» علی بن أبي طالب و «مِنَ الشُّهَدَاءِ» حمزة و جعفر و «مِنَ الصَّالِحِينَ» الحسن و الحسين و «وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» فهو المهدي في زمانه .

عین این دو حدیث ۱۷ و نیز شبیه به این دو حدیث با تعابیری متفاوت در منابع شیعه ذکر شده است ۱۸ . و در دیگر منابع أهل سنت این حدیث یافت نشد .

۱۰ . «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (المائدة، ۶۷/۵) : الحاکم الحسکانی نقل می کند : حدثني علی بن موسی بن إسحاق ، عن محمد بن مسعود - عياشي - ... عن أبي صالح عن ابن عباس و جابر بن عبد الله قالوا : أمر الله محمداً أن ينصب علياً للناس

ليخبرهم بولايته فتخوف رسول الله (ص) أن يقولوا حاباً ابن عمه و أن يطعنوا في ذلك عليه فأوحى الله إليه: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» الآية، فقام رسول الله بولايته يوم غدیر خم. ۱۹

این حدیث در منابع شیعه آمده است^{۲۰}. بنابر سند این حدیث نزد الحاکم، در حقیقت اصل حدیث از آن عیاشی است، هر چند نزد شیعه این حدیث به معصوم ختم نمی شود. در دیگر منابع أهل سنت این حدیث مشاهده نشد.

۱۱. «فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ» (الأعراف، ۴۴/۷): آلوسی در اینجا می گوید: روایة الإمامیة عن الرضا(ع) و ابن عباس أنه على كرم الله تعالى وجهه مما لم يثبت من طريق أهل السنة و بعيد عن هذا الإمام أن يكون مؤذناً و هو إذ ذاك في حظائر القدس. ۲۱

همچنان که ملاحظه می شود مضمون این روایت مورد نقد و رد آلوسی قرار گرفته است؛ از جهت آن که امام علی(ع) در روز قیامت در جایگاهی بالاتر از این است که مؤذن باشد. به هر حال مضمون مورد نظر، در منابع شیعه به طرق مختلف ذکر شده است^{۲۲}، و أهل سنت نیز مضمون این حدیث را نقل کرده اند. ۲۳

۱۲. «فَأَنْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ» (الأعراف، ۱۶۰/۷): سلمی نقل می کند: عن الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد(ع) في هذه الآية قال: «انْبَجَسَتْ مِنَ الْمَعْرِفَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا، يَشْرَبُ كُلُّ أَهْلِ مَرْتَبَةٍ فِي مَقَامٍ مِنْ عَيْنٍ مِنْ تِلْكَ الْعَيُونِ عَلَى قَدَرِهَا، فَأُولَ عَيْنٍ مِنْهَا: عَيْنُ التَّوْحِيدِ، وَ الثَّانِيَةُ: عَيْنُ الْعِبُودِيَّةِ وَ السَّرُورِ بِهَا، وَ الثَّالِثَةُ: عَيْنُ الإِخْلَاصِ، وَ الرَّابِعَةُ: عَيْنُ الصَّدَقِ، وَ الخَامِسَةُ: عَيْنُ التَّوَاضُعِ، وَ السَّادِسَةُ: عَيْنُ الرِّضَا وَ التَّفْوِيضِ، وَ السَّابِعَةُ: عَيْنُ السَّكِينَةِ وَ الوَقَارِ، وَ الثَّامِنَةُ عَيْنُ السَّخَاةِ وَ الثِّقَّةِ بِاللَّهِ، وَ التَّاسِعَةُ: عَيْنُ اليَقِينِ، وَ العَاشِرَةُ: عَيْنُ العَقْلِ، وَ الحَادِيَةُ: عَشْرُ عَيْنِ المَحَبَّةِ، وَ الثَّانِيَةُ عَشْرَ: عَيْنُ الأَنْسِ وَ الخَلُوعِ، وَ هِيَ عَيْنُ المَعْرِفَةِ بِنَفْسِهَا، وَ مِنْهَا تَنْفَجِرُ هَذِهِ العَيُونُ، وَ مِنْ شَرَبِ مَنْ عَيْنٍ مِنْهَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا وَ يَطْمَعُ فِي العَيْنِ التِّي هِيَ أَرْفَعُ مِنْهَا، مَنْ عَيْنٍ إِلَى عَيْنٍ حَتَّى يَصِلَ إِلَى الأَصْلِ، وَ إِذَا وَصَلَ إِلَى الأَصْلِ تَحَقَّقَ بِالحَقِّ». ۲۴

این حدیث در دیگر منابع أهل سنت مشاهده نشد و در منابع شیعه فقط در یک منبع از متأخرین مشاهده شد که ظاهراً مأخوذ از تفسیر السلمی است چون اشاره ای به طریق یا منبع نشده است. در ضمن در باره تعبیر اخیر حدیث: «و إذا وصل إلى الأصل تحقق»

بالحق»، توضیح داده شده که چه بسا این معنا دلالت بر وحدت وجود کند که مخالف مذهب شیعه است یا دلالت بر آن کند که همه چیز از خداوند می باشد. ۲۵

۱۳. «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ» (الأنفال، ۴۱/۸): الحاکم الحسکانی نقل می کند: أخبرنا أبو عبد الله الشیرازی ... عن علی بن موسی ... عن علی بن أبی طالب (ع) فی قول الله تعالی: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ» الآیة، قال: «لنا خاصة، و لم يجعل لنا فی الصدقة نصيبا، كرامة أكرم الله تعالی نبیّه و آله بها، و أكرمننا عن أوساخ أيدي المسلمين». ۲۶ این حدیث نزد شیعه نقل شده است ۲۷. و در دیگر منابع اهل سنت این حدیث ذکر نشده است. لذا باید گفت اصل این حدیث از الحاکم است.

۱۴. «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» (یوسف، ۲۴/۱۲): ثعلبی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبیه عن جعفر الصادق قال: حدثنی أبی عن أبیه علی بن الحسین: قال: «قامت امرأة العزیز إلى الصنم فأظلت دونه بثوب فقال لها یوسف: ما هذا؟ فقالت: أستحیی من الصنم أن یرانا، فقال یوسف: أتستحیین ممن لا یسمع و لا یبصر و لا یفقه و لا یشهد و لا أستحیی ممن خلق الأشياء و علمها؟». ۲۸

این حدیث در دیگر منابع اهل سنت یافت نشد. اما برخی از منابع شیعه آن را یاد کرده اند ۲۹. به هر حال، این حدیث ظاهراً نزد شیعه طریق خود را از امام رضا (ع) تا امام سجاد (ع) را دارد و احتمال زیاد ثعلبی آن را از شیخ صدوق گرفته است، چون خود برای این حدیث طریق خاصی را ذکر نمی کند بلکه آن را تا امام رضا (ع) ارسال می کند.

۱۵. «وَلَا تَرْكُتُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (هود، ۱۱۳/۱۱): «وَلَا تَرْكُتُوا» أی لا تمیلوا أدنی میل، «إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» و هی النفوس المظلمة المائلة إلى الشرور فی أصل الخلقة كما قیل: الظلم من شیم النفوس فان تجد ذا عفة فلعله لم یظلم

و روی ذلك عن علی بن موسی الرضا (ع) عن أبیه عن جعفر رضی الله تعالی عنهم. ۳۰ این روایت و به مضمون بالا نزد فریقین مگر آلوسی یافت نشد.

۱۶. «مَحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ» (الرعد، ۳۹/۱۳): سلمی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبیه عن جعفر بن محمد قال: «يمحو الكفر و یثبت الإیمان، و یمحو النكرة و یثبت المعرفة، و یمحو الغفلة و یثبت الذکر، و یمحو البغض و یثبت المحبة، و یمحو الضعف و یثبت القوة، و یمحو الجهل و یثبت العلم، و یمحو الشک و یثبت

اليقين، و يمحو الهوى و يثبت العقل على هذا الشق و دليله: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» [الرحمن، ٢٩/٥٥] محو أو إثبات». ٣١

این حدیث در دیگر منابع اهل سنت مشاهده نشد و در منابع شیعه فقط در یک منبع از متأخرین مشاهده شد^{٣٢}، که ظاهراً مأخوذ از تفسیر السلمی است چون اشاره ای به طریق یا منبع حدیث نشده است.

١٧. «نَبِيٌّ عَبَادِي أَنِّي أَنَا الْعَفُورُ الرَّحِيمُ* وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ» (الحجر، ١٥/٤٩-٥٠): سلمی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جعفر الصادق في قوله: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ» (الفرقان، ٢٥/٦٣)، قال: «حملة الخلق من جهة الخلقة لا من جهة المعرفة، و «عِبَادِي» تخصيص في العبودية، و المعرفة». ٣٣

این حدیث نزد فریقین مگر سلمی یافت نشد.

١٨. «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» (الحجر، ١٥/٨٧): سلمی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جعفر: قال: «أكرمناك، و أنزلنا إليك و أرسلناك، و ألهمناك، و هديناك، و سلطناك ثم أكرمناك سبع كرامات؛ أولهما: الهدى، و الثاني: النبوة، و الثالث: الرحمة، و الرابع: الشفقة، و الخامس: المودة و الألفة، و السادس: النعيم، و السابع: السكينة، و القرآن العظيم، و فيه اسم الله الأعظم». ٣٤

این حدیث در دیگر منابع شیعه و اهل سنت مگر سلمی ملاحظه نشد.

١٩ و ٢٠. «أَدْخَلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ» (الإسراء، ١٧/٨٠): سلمی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد: قال: «أَدْخَلْنِي فِيهَا عَلَى حَدِّ الرِّضَا، و أَخْرَجْنِي عَنْهَا و أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ». و قال أيضا: «أَخْرَجْنِي مِنَ الْقَبْرِ إِلَى الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ عَلَى طَرِيقِ الصِّدْقِ مَعَ الصَّادِقِينَ». ٣٥

این دو حدیث در دیگر منابع اهل سنت مشاهده نشد و در منابع شیعه فقط در یک منبع از متأخرین مشاهده شد^{٣٦}، که ظاهراً مأخوذ از تفسیر السلمی است.

٢١. «آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا» (الكهف، ١٨/٦٥): در باره مرگ «خضر» آلوسی می گوید: که ابن الجوزی از علی بن موسی الرضا رضی الله تعالی عنهما نقل کرده که ایشان نیز قائل به مرگ خضر می باشد. ٣٧

چنین مطلبی نزد شیعه و نیز نزد اهل سنت به خصوص ابن الجوزی مگر نقل آلوسی

ملاحظه نشد .

۲۲. «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (الكهف، ۱۸/۱۱۰): آلوسی در اینجا می گوید: فقد قال الراغب في المحاضرات: إن علي بن موسى الرضا رضی الله تعالی عنهما كان عند المأمون فلما حضر وقت الصلاة رأى الخدم يأتونه بالماء و الطست فقال الرضا رضی الله تعالی عنه: «لو توليت هذا بنفسك فإن الله تعالی يقول: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» . ۳۸ متأسفانه منبع مذکور، در منابع موجود و نیز عبارتی شبیه بدان دیده نشد .

۲۳. «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» (مریم، ۵۰/۱۹): الحاکم الحسکانی نقل می کند: أخبرنا عبد الرحمان بن علی ... قال: حدثنا علی بن موسى الرضا ... قال: «حدثنا أبي علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله (ص): ليلة عرج بي إلى السماء حملني جبرئيل على جناحه الأيمن فقبل لي: من استخلفته على أهل الأرض؟ فقلت خير أهلها لها أهلا: علي بن أبي طالب أخي و حبيبي و صهری یعنی: ابن عمی . فقبل لي: يا محمد أتحبّه؟ فقلت: نعم يا رب العالمين . فقال لي: أحبه و امرأته بحبه ، فإنني أنا العلي الأعلى اشتقت له من أسمائي اسماً فسميته علياً ، فهبط جبرئيل فقال: إن الله يقرأ عليك السلام و يقول لك: إقرأ . قلت: و ما أقرأ؟ قال: «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» . ۳۹

این حدیث نزد شیعه نقل شده است ۴۰ . در دیگر منابع أهل سنت این حدیث مشاهده نشد . لذا ظاهراً اصل این حدیث از الحاکم می باشد .

۲۴. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم، ۹۶/۱۹): الحاکم الحسکانی نقل می کند: أخبرنا أبو علي الخالدي كتابة ... قال: حدثنا علي بن موسى الرضا، ... عن علي بن الحسين عن أبيه: عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله (ص) لعلي بن أبي طالب (ع): «يا علي قل رب ائذف لي المودة في قلوب المؤمنين ، رب اجعل لي عندك عهداً ، رب اجعل لي عندك وداً . فأنزل الله تعالی: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» ، فلا تلقى مؤمناً و لا مؤمنة إلا و في قلبه وداً لأهل البيت (ع) . ۴۱

این حدیث نزد شیعه نقل شده است ۴۲ . البته شبیه به این حدیث ، در منابع شیعه از

غیر طریق امام رضا (ع) نیز نقل شده است^{۴۳}. همچنین خود این حدیث در دیگر منابع اهل سنت نیامده است اما برخی از اهل سنت از غیر طریق امام رضا (ع) نقل کرده اند.^{۴۴} اصل حدیث از الحاکم است هر چند مضمون آن از طرق دیگر تأیید می شود.

۲۵. «إِلَّا آتِي الرَّحْمَنَ عَبْدًا» (مریم، ۹۳/۱۹): سلمی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد: قال: «فقيراً ذليلاً بأوصافه أو عزيزاً دالاً بأوصاف الحق»^{۴۵}.

این حدیث در دیگر منابع اهل سنت مشاهده نشد و در منابع شیعه فقط در یک منبع از متأخرین مشاهده شد^{۴۶}، که ظاهراً مأخوذ از تفسیر السلمی است چون اشاره ای به طریق یا منبع حدیث نشده است.

۲۶. «مَسَّنِيَ الضُّرُّ» (الأنبياء، ۸۳/۲۱): سلمی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا (ع) عن أبيه عن جعفر بن محمد (ع): قال: «حبس عني الوحي أربعين يوماً فخشى الهجران من ربه، و القطيعة فقال: «مَسَّنِيَ الضُّرُّ»^{۴۷}.

ظاهراً «حبس عنه الوحي» باشد. به هر حال، این حدیث در منابع شیعه و اهل سنت مگر سلمی دیده نشد.

۲۷. «طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ» (الحج، ۲۶/۲۲): سلمی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد: قال: «طهر نفسك من مخالطة المخالفين و الاختلاط بغير الحق، و القائمين هم قواد العارفين المقيمون معه على بساط الأانس و الخدمة و الركع السجود الأمة و السادة الذين رجعوا إلى البداية عن تناهي النهاية»^{۴۸}. این حدیث در دیگر منابع شیعه و اهل سنت مگر سلمی دیده نشد.

۲۸-۳۱. «وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ» (الحج، ۳۴/۲۲): عن علی بن موسی الرضا عن أبيه جعفر بن محمد: قال: «من أطاعني ثم خافني في طاعتي و تواضع لأجلي بشر من اضطرب قلبه شوقاً إلى لقائي، و بشر من ذكرني بالنزول في جوارى، و بشر من دمعت عيناه خوفاً لهجری بشرهم أن رحمتي سبقت غضبي». و قال أيضاً: «بشّر أمتك بالشفاعة». و قال أيضاً: «بشر المشتاقين إلى النظر إلى وجهي». و قال أيضاً: «المخبتين في التواضع كالأرض تحمل كل قدر، و توارى كل نجس و خبث»^{۴۹}.

این چهار حدیث در دیگر منابع اهل سنت مشاهده نشد و در منابع شیعه فقط در یک

منبع از متأخرین مشاهده شد ۵۰، که ظاهراً مأخوذ از تفسیر السلمی است چون اشاره ای به طریق یا منبع این احادیث نشده است.

۳۲. «تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا» (الفرقان، ۶۱/۲۵): سلمی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد: قال: «سمى السماء سماء لرفعتها و القلب سماء لأنه يسمو بالإيمان، و المعرفة، بلا حد، و لا نهاية كما أن المعروف لا حد له كذلك المعرفة به لا حد لها، و بروج السماء مجاری الشمس و القمر و هی: الحمل، و الثور و الجوزاء، و السرطان، و الأسد، و السنبله، و الميزان، و العقرب، و القوس، و الجدى، و الدلو، و الحوت، و فی القلب بروج و هو برج الايمان، و برج المعرفة، و برج العقل، و برج اليقين، و برج الإسلام، و برج الإحسان، و برج التوكل، و برج الخوف، و برج الرجاء، و برج المحبة، و برج الشوق، و برج الوله، فهذه اثنا عشر برجاً بها دوام صلاح القلب كما أن الاثنى عشر برجاً من الحمل و الثور إلى آخر العدد صلاح الدار الفانية و أهلها» ۵۱.

این حدیث در دیگر منابع أهل سنت مشاهده نشد و در منابع شیعه فقط در یک منبع از متأخرین مشاهده شد ۵۲، که ظاهراً مأخوذ از تفسیر السلمی است.

۳۳. «فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ... * فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (الزخرف، ۴۳-۴۱/۴۳): الحاکم الحسکانی نقل می کند: أخبرنا عبد الرحمان بن علی بن محمد البزاز... قال: حدثنا علی بن موسی الرضا، ... حدثنا أبی محمد بن علی الباقر عن جابر بن عبد الله الأنصاری قال: إني لأدناهم من رسول الله في حجة الوداع ب «منى» حين قال: «لا ألفينكم ترجعون بعدى كفاراً يضرب بعضكم رقاب بعض، و أيم الله لئن فعلتموها لتعرفنني في الكتيبة التي تضاربكم. ثم التفت إلى خلفه فقال: «أو على أو على - ثلاثاً - فرأينا أن جبرئيل غمزه، و أنزل الله على أثر ذلك: «فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ» بعلی بن أبی طالب «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ» من أمر علی «إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و إن علیاً لعلم للساعة، و إنه لذكر لك و لقومك و سوف تسألون عن محبة علی بن أبی طالب» ۵۳.

شبيهه این حدیث نزد شیعه نقل شده است ۵۴. اما تقریباً عین حدیث را شیخ طوسی در الأمالی از امام رضا (ع) ... از جابر ۵۵ و ابن بطریق از ابن مغالزی در المناقب از امام

رضا (ع)... از جابر^{۵۶}، و ابن شهر آشوب مرسلأً از جابر و ابن عباس، و طبرسی در مجمع البيان^{۵۷}، و فیض کاشانی در الأصفی مرسلأً^{۵۸}، ... روایت شده است.

أهل سنت این حدیث را نقل کرده اند^{۵۹}. الحاکم الحسکانی، شبیه این روایت را از چند طریق از أبو صالح عن جابر نقل می کند بدون آن که امام (ع) در طریق باشد.^{۶۰}

۳۴. «الْقَدِيم» (یس، ۳۶/۳۹): آلوسی می گوید: ... و قيل: ستة أشهر و حكاة بعض الإمامية عن أبي الحسن الرضا رضی الله تعالی عنه.^{۶۱}

این حدیث نزد شیعه روایت شده است^{۶۲}. و طبرسی در مجمع البيان بدون اشاره به راوی^{۶۳}. اما در دیگر منابع أهل سنت مشاهده نشد.

۳۵. «لا الشَّمْسُ يُنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ» (یس، ۳۶/۴۰): آلوسی می گوید: روی العیاشی فی تفسیره بالإسناد عن الأشعث بن حاتم قال كنت بخراسان حيث إجتمع الرضا

رضی الله تعالی عنه و المأمون و الفضل بن سهل فی الإیوان بمرور فوضعت المائدة فقال الرضا [ع]: «إن رجلا من بنی اسرائیل سألنی بالمدينة: فقال النهار خلق قبل أم اللیل فما

عندکم؟» فأرادوا الكلام فلم یکن عندهم شیء فقال الفضل للرضا: أخبرنا بها أصلحك الله تعالی قال: «نعم من القرآن أم من الحساب؟» قال له الفضل: من جهة الحساب فقال

رضی الله تعالی عنه: «قد علمت یا فضل أن طالع الدنيا السرطان و الكواكب فی مواضع شرفها فزحل فی المیزان و المشتري فی السرطان و المريخ فی الجدی و الشمس فی الحمل

و الزهرة فی الحوت و عطارد فی السنبلة و القمر فی الثور فتكون الشمس فی العاشر وسط السماء فالنهار قبل اللیل، و من القرآن قوله تعالی: «لا الشَّمْسُ يُنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ».^{۶۴}

این حدیث در منابع شیعه ذکر شده است^{۶۵}. اصل این حدیث نزد شیعه، از طبرسی است که ادعا کرده آن را از عیاشی نقل می کند اما چنین مطلبی نزد عیاشی یافت نشد،

همچنان مجلسی و دیگران نیز از مجمع از عیاشی نقل می کند. آلوسی نیز به احتمال قوی این حدیث را از مجمع نقل کرده و از تصریح به منبع خود یعنی: مجمع خودداری کرده

است.

۳۶ و ۳۷. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (الشوری، ۲۳/۴۲): ثعلبی نقل

می کند: عن علی بن موسی الرضا، حدثنی أبی موسی بن جعفر، حدثنا أبی جعفر بن محمد الصادق، قال: كان نقش خاتم أبی محمد بن علی: ظننی «بالله حسن» و «بالنبي

المؤتمن» و «بالوصی ذی المنن» و «الحسین و الحسن»^{۶۶}. و أيضاً: عن علی بن موسی الرضا: حدثنی أبی موسی بن جعفر، حدثنی أبی جعفر بن محمد، حدثنی أبی محمد بن علی، حدثنی أبی علی بن الحسین، قال: قال رسول الله (ص): حرمت الجنة علی من ظلم أهل بیته و آذانی فی عترتی، و من اصطنع صنیعة إلی أحد من ولد عبد المطلب و لم یجازه علیها، فأنا أجازیه غدا إذا لقینی فی یوم القیامة.^{۶۷}

حدیث اول در منابع أهل سنت یافت نشد، مگر در ابن طلحة شافعی^{۶۸}، و ابن الصباغ^{۶۹} که هر دو از ثعلبی نقل کرده اند. اما در منابع شیعه به کرات ذکر شده است^{۷۰}. به نظر می آید که اصل این حدیث از سه طریق شیخ صدوق و طبرسی و ثعلبی است، هر چند معمولاً از شیخ صدوق و ثعلبی روایت می کنند.

اما حدیث دوم نزد شیعه^{۷۱} و أهل سنت^{۷۲} بسیار نقل شده است. به نظر می آید که نزد شیعه این حدیث به شیخ صدوق، ابن البطریق، شیخ طوسی و طبرسی منتهی می شود هر چند که معمولاً از شیخ صدوق و ابن البطریق نقل می شود و نزد أهل سنت به ثعلبی می رسد.

۳۸. «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (الجاثية، ۲۳/۴۵): أَلَوْسِي دَر بَارَهُ جَايْغَاهُ وَ شَأْنُ بَالَايِ كَلِمَهُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مِي كَوَيْدُ: ... وَ كَذَا الْحَدِيثُ الْقُدْسِيُّ الْمُرَوِيُّ عَنِ عَلِيِّ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ (ع)، وَ جَاءَ: «مَنْ كَانَ آخِرَ كَلَامِهِ مِنَ الدُّنْيَا «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دَخَلَ الْجَنَّةَ أَي بِلَا حِسَابٍ».^{۷۳}

این مورد، در جایی دیگر شناسایی نشد.

۳۹. «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ» (النجم، ۳/۵۳): سَلْمِيُّ نَقَلَ مِي كَنْدُ: عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ: «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ»، اسْرَحَ مِنْهُ الْأَنْوَارُ «وَالنَّجْمِ» قَلْبَ مُحَمَّدٍ (ص) «إِذَا هَوَىٰ» انْقَطَعَ عَنِ جَمِيعِ مَا سِوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^{۷۴}

این حدیث در دیگر منابع فریقین یافت نشد.

۴۰. «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (القمر، ۴۹/۵۴): ثَعْلَبِيُّ نَقَلَ مِي كَنْدُ: عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدَرَ

المقادیر و دبر التدبیر قبل أن یخلق آدم بألفی عام» .^{۷۵}

این حدیث بدین مضمون در دیگر منابع اهل سنت یافت نشد و آنچه بیشتر اهل سنت ذکر می کنند تدبیر امر ۵۰ هزار سال قبل از خلقت آدم می باشد، همچنان که سمعانی^{۷۶}، از قول پیامبر (ص) چنین نقل می کند .

اما در منابع شیعه این حدیث ذکر شده است^{۷۷}. ظاهراً اصل این حدیث نزد شیعه از شیخ صدوق و طبرسی است هر چند معمولاً از شیخ صدوق نقل می شود .

۴۱. «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» (الرحمن، ۱۹/۵۵): الحاکم الحسکانی ذیل این آیه، علاوه بر طرقتی که ذکر می کند، اشاره به حدیث امام رضا (ع) در خصوص تفسیر آیه بالا می کند اما عین الفاظ را ذکر نمی کند .^{۷۸}

ظاهراً حدیث مورد نظر نزد شیعه چنین است : [فرات] قال : حدثنا محمد بن إبراهيم الفزاري معننا : عن علي بن فضيل عن علي بن موسى الرضا (ع) قال : سألته عن قول الله تبارك وتعالى : «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» قال : «ذلك علي و فاطمة» ، «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (الرحمن، ۲۰/۵۵) قال : «العهد الذي أخذهما النبي (ص) يعني : لا يزنيان» ، «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْثُ وَالْمَرْجَانُ» (الرحمن، ۲۲/۵۵) قال : «الحسن و الحسين و ذريتهما» .^{۷۹}

این حدیث بدین الفاظ و از طریق امام (ع) را کسی دیگر روایت نکرده است اما نزدیک به این حدیث از طرق دیگر از صادق (ع)، ابن عباس، سلمان فارسی، ابوسعید خدری، ضحاک و ... نقل شده است^{۸۰}، که در طرق آنها امام (ع) قرار نگرفته است، هر چند حدیث امام (ع) را هر چه بیشتر مورد تأیید قرار می دهند .

۴۲. «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن، ۳۹/۵۵): آلوسی در اینجا می گوید که حکای الطبرسی عن الرضا رضی الله تعالی عنه : «أَنَّ مَنْ اعْتَقَدَ الْحَقَّ ثُمَّ أَذْنَبَ وَ لَمْ يَتَبَّ عَذَبَ فِي الْبَرْزَخِ وَ يَخْرُجُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَيْسَ لَهُ ذَنْبٌ يَسْأَلُ عَنْهُ» .

و سپس ادامه می دهد که رضا (ع) چنین سخنی را نگفته است و نمی توان حدیث را بدین معنا نقل کرد و ضمیر «ذنبه» به «انس» بر می گردد و آن در رتبه مقدم است چون نائب فاعل است و مفرد آوردن آن نیز به اعتبار لفظ است و گفته شده که مراد فردی از انس است، گویی گفته شده است : لا یسأل عن ذنبه إنسی و لا جنی .^{۸۱}

حدیث بالا در منابع شیعه ذکر شده است .^{۸۲}

ظاهراً منظور از الحقّ، ایمان به امامت است، همچنان که در قول دیگر حویزی^{۸۳} همین معنا مراد شده است. به هر حال، قول امام(ع) می تواند محتمل باشد و با توجه به آیات دالّه بر سؤال در روز قیامت، می توان این مورد را خاص دانست و خلاف آن را عام. بدین گونه که از کسانی که وضعیتشان که بهشتی هستند یا دوزخی، روشن است، خداوند سؤال نمی کند. به هر حال، دیگر اهل سنت این حدیث را روایت نکرده اند.

۴۳. «وَوَظِلٌّ مَمْدُودٌ» (الواقعة، ۳۰/۵۶): سلمی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد الصادق: قال: «الظل»: «رحمة الله التي ثبتت لمحمد (ص) و«الممدود» فضله على الموحدين و عدله على الموحدين».^{۸۴}

این حدیث در منابع شیعه و اهل سنت یافت نشد.

۴۴. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» (الطلاق، ۱۲/۶۵): آلوسی می گوید: ... أخرج العياشي بإسناده عن الحسين بن خالد عن أبي الحسن الرضا رضي الله تعالى عنه قال: بسط كفه اليسرى ثم وضع اليمنى عليها فقال: «هذه الأرض الدنيا و السماء الدنيا عليها قبة، و الأرض الثانية فوق السماء الدنيا و السماء الثانية فوقها قبة، و الأرض الثالثة فوق السماء الثانية و السماء الثالثة فوقها قبة حتى ذكر الرابعة و الخامسة و السادسة فقال: و الأرض السابعة فوق السماء السادسة و السماء السابعة فوقها قبة و عرض الرحمن فوق السماء السابعة و هو قوله: «سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ».^{۸۵}

این حدیث در منابع شیعه ذکر شده است^{۸۶}. و در دیگر منابع اهل سنت یافت نشد. ضمن این که آلوسی ذیل حدیث را که در باره امام زمان(ع) بوده و موافق اعتقاد او نیست، حذف کرده و به ذکر (الخ) اکتفا کرده است.

۴۵. «وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» (التحریم ۴/۶۶): الحاکم الحسکانی می گوید: أخبرنا أبو نصر محمد بن عبد الواحد ... عن علی بن موسی عن أبيه موسى عن أبيه عن جده «باقر(ع)» قال: «قال رسول الله (ص) في قوله تعالى: «وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» قال: صالح المؤمنين على بن أبي طالب». و اضافه می کند که سند این حدیث مرسل است.^{۸۷}

این مضمون توسط شیعه نقل شده است^{۸۸}. ولی در طرق آن امام رضا(ع) قرار نگرفته است.

مضمون این حدیث نزد اهل سنت نقل شده است^{۸۹}، این حجر از علی(ع) و مجاهد،

أسماء بنت عمیس، ابن عباس، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) با تضعیف طرق آنها و نیز ذکر مصادیقی دیگر برای این آیه چون ابوبکر و عمر^{۹۰}، و ثعلبی از علی(ع) و أسماء بنت عمیس البته با ذکر مصادیقی دیگر^{۹۱}. الحاکم حدیث مذکور را از ده ها طریق دیگر از امام باقر(ع)، أسماء بنت عمیس، ابن عباس، علی(ع)، حذیقه، ابن سیرین و... و نیز از فرات از امام باقر(ع) نقل می کند که در طریق آنها امام رضا(ع) قرار ندارد.^{۹۲}

به هر حال، نزد شیعه و دیگر منابع أهل سنت از امام رضا(ع) نقل نشده است.

۴۶. «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم، ۴/۶۸): ثعلبی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا حدثنا أبي موسى بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن محمد بن علی عن أبيه علی بن الحسين عن أبيه الحسين بن علی عن أبيه علی بن أبي طالب قال: قال رسول الله(ص): عليكم بحسن الخلق فإن حسن الخلق في الجنة لا محالة، وإياكم وسوء الخلق فإن سوء الخلق في النار لا محالة.^{۹۳}

این حدیث در منابع شیعه^{۹۴}، و دیگر منابع أهل سنت نیز ذکر شده است، مانند: ابن ابی الحدید و مرسلأ از پیامبر(ص) و متقی هندی مرسلأ از پیامبر(ص) و فقط صدر حدیث و با اشاره به غازی که در طریق حدیث می باشد.^{۹۵}

ظاهراً اصل این حدیث نزد شیعه از شیخ صدوق و نیز از شهید اول و طبرسی است، هر چند معمولاً منبع شیخ صدوق مد نظر می باشد و نزد أهل تسنن نیز ظاهراً دارای دو طریق است، طریق ثعلبی و طریق متقی. اما قدر متیقن آنست که غازی در طریق شیعه و أهل سنت در این حدیث است.

۴۷. «فَأَقْرَعُوا مَا تَيْسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (المزمل، ۲۰/۷۳): سلمی و ثعلبی نقل می کنند: عن علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد: قال: «ما تيسر لكم فيه خشوع القلب و صفاء السر».^{۹۶}

این حدیث در برخی منابع شیعه ذکر شده است.^{۹۷}

قدیمی ترین منبعی که این حدیث را البته مرسلأ از امام رضا(ع) تا امام صادق(ع) نقل کرده است، طبرسی در مجمع البیان^{۹۸} می باشد و چه بسا وی این حدیث را از سلمی گرفته باشد. چنین حدیثی در دیگر منابع أهل سنت مشاهده نشد.

۴۸. «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» إلى قوله: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِهِ

اللَّهِ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (الانسان، ٧٦/٥-٩): الحاكم الحسكاني نقل مى كند: أخبرنا أحمد بن الوليد بن أحمد بقراءتى عليه من أصله، ... قال: حدثنى على بن موسى الرضا... عن أبيه على بن أبى طالب قال: «لما مرض الحسن و الحسين عادهما رسول الله (ص) فقال لى: يا أبا الحسن لو نذرت على ولديك لله نذرا أرجو أن ينفعهما الله به. فقلت: على لله نذر لئن برئ حبيباى من مرضهما لأصومن ثلاثة أيام. فقالت فاطمة: و على لله نذر لئن برئ ولدائى من مرضهما لأصومن ثلاثة أيام. و قالت جاريتهم فضاة: و على لله نذر لئن برئ سيدائى من مرضهما لأصومن ثلاثة أيام. فألبس الله الغلامين العافية فأصبحوا و ليس عند آل محمد قليل و لا كثير، فصاموا يومهم و خرج على إلى السوق فإذا شمعون اليهودى - فى السوق - و كان له صديقا فقال له: يا شمعون أعطنى ثلاثة أصوع شعيرا و جزة صوف تغزله فاطمة. فأعطاه - شمعون - ما أراد فأخذ الشعير فى رداءه و الصوف تحت حضنه و دخل منزله فأفرغ الشعير و ألقى الصوف فقامت فاطمة إلى صاع من الشعير فطحته و عجنته و خبزت منه خمسة أقراص و صلى على مع رسول الله (ص) المغرب و دخل منزله ليفطر فقدمت إليه فاطمة خبز شعير و ملحاً جريشا و ماء قراحا، فلما دنوا ليأكلوا وقف مسكين بالباب فقال: السلام عليكم أهل بيت محمد، مسكين من أولاد المسلمين... فلما أن كان فى اليوم الثالث عمدت فاطمة إلى الصاع الثالث و طحنته و عجنته و خبزت منه خمسة أقراص، و صاموا يومهم و صلى على مع النبى (ص) المغرب ثم دخل منزله ليفطر، فقدمت فاطمة - إليه - خبز شعير و ملحاً جريشا و ماء قراحا، فلما دنوا ليأكلوا وقف أسير بالباب فقال: السلام عليكم يا أهل بيت النبوة أطمعونا أطمعكم الله، فأطعموه أقراصهم فباتوا ثلاثة أيام و لياليها لم يذوقوا إلا الماء القراح فلما كان اليوم الرابع عمد على - و الحسن و الحسين يرعشان كما يرعش الفرخ - و فاطمة و فضاة معهم فلم يقدروا على المشى - كذا - من الضعف، فأتوا رسول الله فقال: إلهى هؤلاء أهل بيتى يموتون جوعا، فارحمهم يا ربّ و اغفر لهم - إلهى - هؤلاء أهل بيتى فاحفظهم و لا تنسهم، فهبط جبرئيل و قال: يا محمد إن الله يقرأ عليك السلام و يقول: قد استجبت دعاءك فيهم و شكرت لهم و رضيت عنهم و اقرأ «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» إلى قوله: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا».

و اضافه مى كند كه حديث در مواضعى مختصر شده است. ٩٩

این حدیث نزد شیعه با همین مضمون اما با تعابیری متفاوت از غیر طریق امام رضا (ع) نیز نقل شده است^{۱۰۰}. همچنین نزد اهل سنت نیز با همین مضمون اما با تعابیری متفاوت از غیر امام رضا (ع) نقل شده است.^{۱۰۱}

اما حدیث الحاکم با الفاظش و از طریق امام رضا (ع) جایی دیگر مشاهده نشد.
۴۹. «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا» (الضحى، ۶/۹۳): ثعلبی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا یقول: سمعت أبا یقول: سئل جعفر بن محمد الصادق: «لم أؤتم النبی (ص) عن أبویه؟ فقال: لئلا یكون علیه حق لمخلوق.»^{۱۰۲}

این حدیث در کتب شیعه ذکر شده است^{۱۰۳}. و در دیگر منابع اهل سنت نیز مرسلاً از امام صادق (ع) نقل شده است^{۱۰۴}؛ و آلوسی هم مرسلاً از حسن با اندکی تفاوت در الفاظ.^{۱۰۵}

ظاهراً اصل حدیث از ثعلبی است چون فقط او این حدیث را به طریق خود مسند ذکر کرده است و دیگران به ارسال. عجیب آنست که آلوسی این حدیث را از حسن - چه بسا حسن بصری - نقل می کند که ممکن است اشتباهی از او باشد.

۵۰. «والتین» (التین، ۱/۹۵): عن علی بن موسی الرضا (ع): «التین یزیل نكهة الفم و یطول الشعر و هو أمان من الفالج.»^{۱۰۶}

این حدیث فقط در همین تفاسیر مشاهده شد و ظاهراً اصل حدیث از رازی است.
۵۱. فضیلت سوره زلزله: ثعلبی نقل می کند: عن علی بن موسی الرضا قال... حدثنی أبا علی بن ابي طالب قال: قال رسول الله (ص): «من قرأ «إِذَا زُلْزِلَتْ» أربع مرات كان كمن قرأ القرآن كله.»^{۱۰۷}

این حدیث در منابع شیعه ذکر شده است^{۱۰۸}. در دیگر منابع اهل سنت نیز این حدیث یافت شد^{۱۰۹}. و المناوی از ثعلبی با تصریح به این که طریق ثعلبی سخت ضعیف است اما خود حدیث از طریق دیگری تأیید می گردد^{۱۱۰}. البته طریق تضعیف شده ثعلبی، طریق اکثر احادیثش در تفسیرش می باشد.

ظاهراً اصل این حدیث نزد شیعه از شیخ صدوق و طبرسی است هر چند معمولاً از نفر اول نقل می شود و نزد اهل سنت، ثعلبی است.

۵۲. «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (التكاثر، ۸/۱۰۲): ثعلبی نقل می کند: عن علی بن

موسی الرضا قال : ... حدثنی أبی علی بن أبی طالب قال : « قال رسول الله (ص) قال : الرطب والماء البارد » . ۱۱۱

این حدیث در منابع شیعه ذکر شده است اما حدیث به علی (ع) نسبت داده شده است . ۱۱۲ . و همچنین این حدیث در دیگر منابع اهل سنت نیز ذکر شده است که در برخی حدیث از طریق علی (ع) به پیامبر (ص) نسبت داده شده است که همان تفسیر ثعلبی است و در برخی نیز صرفاً قولی ذکر می شود که برای تقریب مطرح شده و در آن نظر است ۱۱۳ . و ظاهراً این نحوه بیان از زمخشری گرفته شده است .

ظاهراً اصل حدیث نزد شیعه از شیخ صدوق و طبرسی است که معمولاً از نفر اول نقل می شود و نزد اهل سنت ، ثعلبی است هر چند در اکثر به گونه ای ذکر می شود که گویی این سخن ، منسوب به علی (ع) یا پیامبر (ص) نیست .

۵۳ . « نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ » (الهمزة، ۱۰۴/۶-۷) : سلمی نقل می کند : عن علی بن موسی الرضا عن أبیه عن جعفر بن محمد : قال : « النيران شتی مختلفة فمنها نار المحبة و المعرفة تتقد فی أفئدة الموحدين و نيران جهنم فی أفئدة الکافرين ، و نيران المحبة إذا اتقدت فی قلوب المؤمنین تحرق کل هم غیر الله ، و کل ذکر سوی ذکرة » . ۱۱۴ . این حدیث در دیگر منابع اهل سنت مشاهده نشد و در منابع شیعه فقط در یک منبع از متأخرین مشاهده شد که ظاهراً مأخوذ از تفسیر السلمی است چون اشاره ای به طریق یا منبع این حدیث نشده است . ۱۱۵

۵۴ . « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » (الاخلاص، ۱/۱۱۲) : سلمی نقل می کند : عن علی بن موسی عن أبیه عن جعفر بن محمد : قال : « معناه اظهر ما تريده النفس بتأليف الحروف فإن الحقائق مصونة علی أن يبلغها وهم أو فهم و إظهار ذلك بالحروف ليهتدى بها من ألقى السمع ، و هو إشارة إلى غائب و إنما هو تنبيه علی معنى ثابت و الواو إشارة إلى الغائب عن الحواس ، و الأحد الفرد الذي لا نظير له فمعنى قوله : « أَحَدٌ » أي معبود يأله الخلائق إليه فيعجزوا عن إدراكه فإنه بألوهيته متعال عن الإدراك بالعقول و الحواس ، و « الصَّمَدُ » المتعال عن الكون و الفساد ، و « الصَّمَدُ » الذي لا يوصف بالتغاير ، و سورة الإخلاص خمس كلمات : « اللَّهُ أَحَدٌ » دلالة علی الفردانية « اللَّهُ الصَّمَدُ » دلالة علی العز « وَلَمْ يُولَدْ » معرفة الربوبية « لَمْ يَلِدْ » معرفة التنزيه « وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ » معرفة أن « ليس كمثل شئ »

و هذه بأجمعها تدلّك على الانقطاع إليه، و التبرّي مما سواه»^{۱۱۶}.
این حدیث در دیگر منابع اهل سنت مشاهده نشد مگر قندوزی به نقل از محمد
خواجه پارسای بخاری (م. ۸۲۲ هـ)، از سلمی از کتابش طبقات مشایخ الصوفیه، که
صدر حدیث تا ألقى السمع را ذکر کرده است^{۱۱۷}. و در منابع شیعه نیز فقط در یک منبع
از متأخرین مشاهده شد که ظاهراً مأخوذ از تفسیر السلمی است چون اشاره ای به طریق
یا منبع این حدیث نشده است.^{۱۱۸}

لازم به ذکر است شاکری که برخی از احادیث سلمی را متذکر شده است، آنها را
تحت عنوان تفاسیر عرفانی امام صادق (ع) آورده است و برخی از احادیث سلمی را که با
مذهب تشیع قابل جمع نبوده، متذکر نشده یا ناقص آورده است.

۵۵. «الصمد» (الاخلاص، ۲/۱۱۲): ثعلبی نقل می کند: «عن علی بن موسی الرضا:

هو الذی ایست العقول عن الاطلاع علی کیفیته»^{۱۱۹}.

این حدیث در منابع شیعه یافت نشد. همچنین در دیگر منابع اهل سنت، مگر نزد
سلمی، که تحت عنوان یک قول ذکر کرده و به جای «عن الاطلاع»، «من الاطلاع» آورده
است.^{۱۲۰}

نتیجه گیری

بر خلاف انتظار، مشاهده می شود که متأسفانه استناد مفسرین اهل سنت به اقوال
امام رضا (ع) که شخصیتی فرا مذهبی و از بزرگان علم و زهد نزد عموم مسلمانان می باشد،
بسیار اندک است. از سویی دیگر، برخی استنادات اهل سنت در این رابطه نیز در خور
تأمل و بازشناسی است؛ زیرا از طرق شیعه نقل نشده است یا مورد انکار شیعه می باشد.
امید است که این تحقیق راهگشایی برای معرفی هر چه بیشتر احادیث تفسیری امام رضا (ع)
به جهان اسلام شد.

١. التفسير السلمى، ٢٦/١.
٢. التفسير الثعلبي، ١٠٦/١.
٣. همان/١٤٠.
٤. مستدرک سفينة البحار، ١٦٩/١.
٥. تفسير نور الثقلين، ٣٠/١.
٦. مجمع البيان، ٧٥/١.
٧. الدر المنثور، ٥٦/١.
٨. الكافي، ٩٥/٤.
٩. علل الشرايع، ٤٢٧/٢.
١٠. بحار الأنوار، ٥١/٩٦.
١١. مستدرک الوسائل، ٣٣٠/٩.
١٢. شرح إحقاق الحق، ١٢/٤٥٠ و ٦١٠.
١٣. كنز العمال، ١٩٧/١٢.
١٤. تاريخ بغداد، ٥٦/١٢.
١٥. شواهد التنزيل، ١٦٨/١.
١٦. شرح إحقاق الحق، ٥٢١/١٢.
١٧. همان، ١٤/٣٩٠؛ الامام الحسين في أحاديث الفريقين، ٤٤١/٢.
١٨. كفاية الأثر «الخزاز القمي» ١٨٣/١؛ مناقب آل أبي طالب «ابن شهر آشوب»، ١/٢٤٣؛ تفسير فرات الكوفي/ ١١٣؛ غاية المرام «بحراني»، ١/٤٢؛ مصابح الأنوار، ٢٩٦/٤.
١٩. شواهد التنزيل، ٢٢٥-٢٢٦.
٢٠. تفسير عياشي، ٣٣١/١ «مرسلاً از أبوصالح از ابن عباس و جابر»؛ بحار الأنوار، ٣٧/١٣٩؛ غاية المرام، ٣/٣٢٥؛ الميزان، ٦/٥٣؛ شرح إحقاق الحق، ٣٥/١٤.
٢١. تفسير الآلوسى، ١٢٣/٨.
٢٢. الكافي، ١/٤٢٦؛ معانى الأخبار/٥٩ «به سند از امام باقر (ع) از على (ع)؛ تفسير عياشى، ١٧/٢ «مرسلاً از رضا (ع)»؛ تفسير قمى، ١/٢٣١؛ تفسير فرات كوفى
- ١٤٠-١٤١ «از ابن عباس»؛ روضة الواعظين «فتال»/ ١٠٥؛ المناقب، ٣/٣٣؛ مجمع البيان، ٤/٢٥٩.
٢٣. شواهد التنزيل، ١/٢٦٧؛ ينابيع المودة «قندوزى»، ٣٠١/١.
٢٤. التفسير السلمى، ١/٢٤٦-٢٤٧.
٢٥. موسوعة المصطفى و العترة (ع) «شاكري»، ٩/٢٥٧.
٢٦. شواهد التنزيل، ١/٢٨٥.
٢٧. شرح إحقاق الحق، ١٤/٦٥٣.
٢٨. التفسير الثعلبي، ٥/٢١٣.
٢٩. عيون أخبار الرضا (ع)، ١/٤٩؛ بحار الأنوار، ١٢/٢٦٦؛ تفسير الصافي، ٣/١٤.
٣٠. تفسير الآلوسى، ١٢/١٦٨.
٣١. التفسير السلمى، ١/٣٣٧.
٣٢. موسوعة المصطفى و العترة (ع)، ٩/٢٦٧.
٣٣. التفسير السلمى، ١/٣٥٥-٣٥٦.
٣٤. همان، ٣٥٩-٣٦٠.
٣٥. همان، ٣٩٤.
٣٦. موسوعة المصطفى و العترة (ع)، ٩/٢٧١.
٣٧. تفسير الآلوسى، ١٥/٣٢٠.
٣٨. همان، ١٦/٥٥.
٣٩. شواهد التنزيل، ١/٤٦٢-٤٦٣.
٤٠. شرح إحقاق الحق، ١٤/٥٤٨ «به نقل از الحاكم الحسكاني».
٤١. شواهد التنزيل، ١/٤٦٤.
٤٢. شرح إحقاق الحق، ١٤/١٦٣؛ مودة أهل البيت (ع) «مركز الرسالة»/ ٥١.
٤٣. المناقب، ٢/٢٨٩ «از امام باقر (ع) و محمد حنفيه»؛ تفسير فرات كوفى/ ٢٥٣ «از أبو سعيد خدرى»؛ شرح إحقاق الحق، ١٤/١٥٩ و ١٦١ «از محمد حنفيه».
٤٤. ينابيع المودة، ٢/٣٦٠ «از ابن حنفيه».
٤٥. التفسير السلمى، ١/٤٣٣.

٤٦. موسوعة المصطفى و العترة (ع)، ٢٧٥/٩.
٤٧. التفسير السلمى، ١٢/٢ - ١٣.
٤٨. همان، ٢٠.
٤٩. همان، ٢٣-٢٤.
٥٠. موسوعة المصطفى و العترة (ع)، ٢٧٩/٩.
٥١. التفسير السلمى، ٦٥-٦٦.
٥٢. موسوعة المصطفى و العترة (ع)، ٢٨٣/٩.
٥٣. شواهد التنزيل، ٢١٦-٢١٧.
٥٤. الاحتجاج «طبرسى»، ٢٩١/١؛ تفسير فرات كوفى / ٢٧٩ «از غير طريق امام رضا (ع)»؛ جوامع الجامع، ٥٩٦/٢.
- «مرسلاً از جابر و ابن عباس»؛ مجمع البيان، ٨٣/٩؛ تفسير الأصفى «فيض كاشانى»، ٨٣٠/٢.
٥٥. الأمالى «الطوسى»، ٣٦٣/١.
٥٦. العمدة/٣٥٣-٣٥٤ و ٤٤٩.
٥٧. مجمع البيان، ٢٠٧/٧.
٥٨. تفسير الأصفى، ١١٤٢/٢.
٥٩. ينابيع المودة، ٢٩٣/١.
٦٠. شواهد التنزيل، ١/٥٢٦ به بعد.
٦١. تفسير الألوسى، ٢٠/٢٣.
٦٢. الكافى، ١٥٩/٦؛ عيون أخبار الرضا (ع)، ٢/٢٧٦.
٦٣. مجمع البيان، ٨/٢٨٣.
٦٤. تفسير الألوسى، ٢٢/٢٣.
٦٥. تحف العقول/٤٦٦-٤٤٧؛ المناقب «ابن شهر آشوب»، ٣/٣٦٣؛ مجمع البيان، ٨/٢٧٥؛ تفسير الصافى، ٤/٢٥٣ و ٦: ١٥٥؛ بحار الأنوار، ٥٤/٢٢٦ با اعتراف به اين خبر داراى ايراداتى در مضامين مى باشد؛ تفسير نور الثقلين، ٤/٣٨٧؛ الميزان، ١٧/٩٥.
٦٦. تفسير الثعلبى، ٣١١/٨.
٦٧. همان، ٣١٢.
٦٨. مطالب السئول فى مناقب آل الرسول (ص)/ ٥.
٦٩. الفصول المهمة فى معرفة الأئمة، ٢/٦١٨.
٧٠. عيون أخبار الرضا (ع)، ٢/٢٧؛ مسند الامام الرضا (ع)،
- ٣٦٤/٢؛ حياة الامام الرضا (ع)، ١/٢٤٩؛ العمدة «ابن البريق»/٥٢ و ٤٢٩؛ كشف الغمة، ٢/٣٣١؛ موسوعة المصطفى و العترة (ع)، ٨/١٣٨؛ مكارم الاخلاق/٩٢؛ المناقب، ٣/١٥٩.
٧١. عيون أخبار الرضا (ع)، ١/٣٧؛ الامالى «طوسى»، ١/١٦٤؛ العمدة/٥٢؛ روضة الواعظين/٢٧٣؛ نور الثقلين، ١/٣٥٥؛ حياة الامام الرضا (ع)، ١/٢٤٧.
٧٢. تخرىج الأحاديث و الآثار «زيلعى»، ٣/٣٣٦؛ الكشف «زمخشري»، ٣/٤٦٧؛ ينابيع المودة، ٣/١٣٩؛ تنبيه الغافلين «ابن كرامة»/١٠٣.
٧٣. التفسير الألوسى، ٢٦/٦١-٦٠.
٧٤. التفسير السلمى، ٢/٢٨٣.
٧٥. التفسير الثعلبى، ٩/١٧٢.
٧٦. التفسير السمعانى، ٢/٣٩٢.
٧٧. التوحيد «صدوق»/٣٧٦؛ عيون أخبار الرضا (ع)، ١/٣٤ و ٢/١٢٨؛ مسند الامام الرضا (ع)، ١/٣٣؛ نور الثقلين، ٤/٣؛ صحيفة الرضا (ع)/١٥١.
٧٨. شواهد التنزيل، ٢/٢٩١.
٧٩. تفسير فرات الكوفى/٤٦٠-٤٥٩.
٨٠. همان؛ شواهد التنزيل، ٢/٢٨٥ به بعد؛ بحار الأنوار، ٢٤/٩٧؛ الدر المنثور، ٦/١٤٢-١٤٣.
٨١. تفسير الألوسى، ٢٧/١١٤.
٨٢. مجمع البيان، ٩/٣٤٣ «مرسلاً از امام رضا (ع)»؛ تفسير الأصفى، ٢/١٢٤٥؛ تفسير الصافى، ٥/١١٢ و ٧/٧٣؛ بحار الأنوار، ٧/٨١؛ نور الثقلين، ٥/١٩٥.
٨٣. نور الثقلين، ٥/١٩٥.
٨٤. شواهد التنزيل، ٢/٣٠١.
٨٥. تفسير الألوسى، ٢٨/١٤٢-١٤٤.
٨٦. تفسير القمى، ٢/٣٢٩؛ تفسير عياشى، ٢/٢٠٣؛ مجمع البيان، ٩/٢٥٤؛ تفسير الأصفى، ٢/١٣١٩؛ تفسير الصافى، ٥/٦٨ و ١٩٢ و ٧/٢٢٦؛ نور الثقلين، ٥/١٢١ و ٣٦٦؛ الميزان، ١٩/٣٢٧.

٨٧. شواهد التنزيل، ٢/ ٣٤٢-٣٤٣.
٨٨. مجمع البيان، ١٠/ ٥٩؛ تفسير القمي، ٢/ ٣٣٧؛ تفسير فرات كوفي/ ٤٨٩-٤٩٠؛ نور الثقلين، ٥/ ٣٧٠؛ بحار الأنوار، ٢٧/ ٣٦.
٨٩. نظم درر السمطين «زندی حنفی»/ ٩١؛ المحرر الوجيز، ٥/ ٣٣٢.
٩٠. فتح الباري، ١٠/ ٣٥٣.
٩١. التفسير الثعلبي، ٩/ ٣٤٨.
٩٢. شواهد التنزيل، ٢/ ٤٣١ و ٤٣٣ به بعد.
٩٣. التفسير الثعلبي، ١٠/ ١٠.
٩٤. عيون أخبار الرضا (ع)، ١/ ٣٤؛ مسند الرضا (ع) «غازی»/ ٦٢؛ روضة الواعظين/ ٣٧٨؛ مسند الامام الرضا (ع)، ١/ ٢٦٩؛ حياة الامام الرضا (ع)، ١/ ٢٥٤؛ صحيفة الرضا (ع)/ ١٥٠؛ مجمع البيان، ١٠/ ٧٨.
٩٥. شرح نهج البلاغة، ٦/ ٣٤٠؛ كنز العمال، ٣/ ١٨.
٩٦. التفسير السلمي، ٢/ ٣٥٧؛ التفسير الثعلبي، ١٠/ ٦٦.
٩٧. فقه القرآن «راوندي»، ١/ ١٢٧؛ الميزان، ٢٠/ ٧٨؛ تفسير الصافي، ٥/ ٢٤٣؛ نور الثقلين، ٥/ ٤٥١؛ موسوعة المصطفى و العترة (ع)، ٩/ ٣٠٤.
٩٨. مجمع البيان، ١٠/ ٩٦.
٩٩. شواهد التنزيل، ٢/ ٣٩٤-٣٩٧.
١٠٠. تفسير فرات كوفي/ ٥١٩؛ الأمالي «صدوق»/ ٣٢٩؛ كشف الغمة، ١/ ٣٠٨؛ المناقب، ٣/ ١٤٧؛ نور الثقلين، ٥/ ٤٧١؛ الميزان، ٢٠/ ١٣٢؛ حياة الامام الرضا (ع)، ١/ ٢٤٦.
١٠١. شواهد التنزيل، ٢/ ٣٩٩؛ التفسير الثعلبي، ١٠/ ٩٩؛ ينابيع المودة، ١/ ٢٧٩؛ الكشف، ٤/ ١٩٧؛ التفسير قرطبي، ١٩/ ١٣٠؛ التفسير بيضاوي، ٥/ ٤٢٨؛ التفسير أبوسعود، ٩/ ٧٣؛ التفسير الألوسي، ٢٩/ ١٥٩.
١٠٢. التفسير الثعلبي، ١٠/ ٢٢٥.
١٠٣. مجمع البيان، ١٠/ ٣٨٣ «مرسلاً از امام صادق (ع)»؛ تفسير الصافي، ٥/ ٣٤٢ و ٥٠٣/ ٧؛ نور الثقلين، ٥/ ٥٩٥؛ بحار الأنوار، ١٦/ ١٣٧ «مرسلاً از امام صادق (ع)».
١٠٤. المحور الوجيز، ٥/ ٤٩٤؛ البحر المحيط، ٨/ ٤٨١؛ التفسير قرطبي، ٢٠/ ٩٤.
١٠٥. التفسير الألوسي، ١١/ ٦١.
١٠٦. التفسير «الرازي»، ٣٢/ ٨؛ التفسير الألوسي، ٣٠/ ١٧٤؛ التفسير أبو السعود، ٩/ ١٧٤.
١٠٧. التفسير الثعلبي، ١٠/ ٢٦٣.
١٠٨. عيون أخبار الرضا (ع)، ١/ ٤١؛ مستدرک الوسائل، ٤/ ٣٦٧؛ مسند الامام الرضا (ع)، ١/ ٣٠٨؛ حياة الامام الرضا (ع)، ١/ ٢٣٥؛ صحيفة الرضا (ع)/ ٢٢٩.
١٠٩. الكشف، ٤/ ٢٢٧؛ التفسير بيضاوي، ٥/ ٥١٩؛ التفسير أبو السعود، ٩/ ١٨٩؛ التفسير قرطبي، ٢٠/ ١٦٤؛ تخريج الأحاديث و الآثار، ٤/ ٢٦٢.
١١٠. الفتح السماوي، ٣/ ١١٤.
١١١. التفسير الثعلبي، ١٠/ ٢٧٨.
١١٢. عيون أخبار الرضا (ع)، ١/ ٤٢؛ مستدرک الوسائل، ١٦/ ٣٨٨-٣٨٩؛ بحار الأنوار، ٦٣/ ١٢٥ و ٤٥٢-٤٥٣؛ نور الثقلين، ٥/ ٦٦٥؛ صحيفة الرضا (ع)/ ٢٣٠؛ مكارم الأخلاق/ ١٥٧.
١١٣. الكشف، ٢/ ٢١٩؛ التفسير بيضاوي، ٣/ ١٧٨؛ تخريج الأحاديث و الآثار، ٢/ ١٠٨؛ التفسير أبو السعود، ٤/ ١١٠؛ التفسير الألوسي، ١١/ ٤٦.
١١٤. التفسير السلمي، ٢/ ٤٢٠.
١١٥. موسوعة المصطفى و العترة (ع)، ٩/ ٣٠٨.
١١٦. التفسير السلمي، ٢/ ٤٣١.
١١٧. ينابيع المودة، ٣/ ١٥٥.
١١٨. موسوعة المصطفى و العترة (ع)، ٩/ ٣٠٨.
١١٩. التفسير الثعلبي، ١٠/ ٣٣٥.
١٢٠. التفسير السلمي، ٢/ ٤٣١.